

در صورتی که مفید تشخیص داده شد، آن‌ها را اعمال کنند. هفته بعد نوشته‌های خود را به وی دادم. این کار به خاطر اصلاحی، هر چند کوچک، که در آموزش کشور داشت به من احساس رضایت می‌داد. یک هفته پس از آن که ایشان را ملاقات کردم، گفتند که شورا خواسته است که در صورت تمایل چند جلسه به شورا بروم و نظرات خود را توضیح دهم.

امروز که به گذشته می‌نگرم می‌بینم که تا چه حد آن لحظات و آن گفتگوها در زندگی من تأثیرگذار بوده است.

جلسات شورا غالباً همراه با بحث‌ها و جدل‌های فراوان بود. گاهی روش‌های پیشنهادی از سوی افراد با آموزه‌ها و قراردادهای اجتماعی آن دوران همخوانی نداشت که این خود موجب بحث‌هایی می‌گردید که انگار پایانی نداشت. به هر حال همان طور که جلسات ادامه می‌یافت، ریزمواد کتاب‌ها آماده می‌شد و افرادی از شورا که نقشی تأثیرگذار در تدوین برنامه یک کتاب خاص داشتند به عنوان مؤلف آن کتاب انتخاب می‌شدند.

به این ترتیب من و فرزانه به عنوان عضو گروه تألیف کتاب دوم ریاضی ابتدایی و در سال‌های بعد عضو گروه تألیف سه کتاب ریاضی دوره راهنمایی، فرزانه برای گروه تألیف کتاب ریاضی چهارم ابتدایی و من برای گروه تألیف کتاب ریاضی پنجم ابتدایی انتخاب شدیم.

با توجه به کارها و بحث‌های مشترک زیادی که فرزانه و من با هم داشتیم، تصمیم گرفتیم اطاق کارمان در گروه ریاضی دانشگاه تربیت معلم مشترک باشد. تقریباً سه روز کاری در هر هفته را به بحث و تبادل نظر در مورد کتاب‌های درسی با هم سپری می‌کردیم. اعتراف می‌کنم که مجموع اوقات مناظره با مسعود بیش از مجموع تمام گفتگوهای خود با افراد دیگر گروه ریاضی بود. این طور نبود که خط مشی ما کاملاً مؤید یکدیگر باشد. او در تحلیل مسائل آموزشی بسیار پخته‌تر بود و من در حال یادگیری. گاه بر سر روش آموزش مطلبی، ساعت‌ها بحث طولانی داشتیم. مجموعه تمام این اوقات و مجادلات بهترین وسیله شناخت است.

فرزانه افراد را به لحاظ سوابقی که در مدیریت یا قدرت داشتند احترام نمی‌گذاشت و یا آن‌ها را که چنین جایگاهی نداشتند بی‌احترامی نمی‌کرد. او افراد جامعه را براساس نقش سودمندی که داشتند در ذهن خود طبقه‌بندی می‌کرد و احترام می‌گذاشت، نه براساس شکل ظاهری و یا حضور یا عدم حضور در یکی از جریان‌های رایج زمان.

در اغلب برنامه‌های درسی و کارهای روزمره، اندیشه‌ای گام به گام و کاربردی داشت به طوری که بسیاری از اوقات برای حل مسأله، الگویی و یا چارتی ترکیباتی ترسیم می‌کرد و با محوریت آن الگو و طرح بحث می‌کرد. این شیوه الگوریتمی در تحلیل و اندیشیدن، جزئی از شخصیتش بود به طوری که بسیاری از همکاران به این ویژگی‌اش «خوش فکری» نام نهاده بودند.

به قصد مروری بر زندگی

دکتر مسعود فرزانه

یادبود از همنوع یکی از رفتارهای شناخته شده جوامع بشری است. انسان‌ها در بازگفت احساسات، اندیشه‌ها، رفتارها و کردارهای شخص متوفی هدف‌های پیچیده‌ای را دنبال می‌کنند. گاهی در توصیف نیکویی‌های متوفی آن قدر زیاده‌روی می‌شود که یافتن فصل اشتراکی بین آنها و شخصیت فرد موصوف دشوار می‌نماید. گاهی توصیف‌ها جنبه فردی داشته و به شخصیت و اهداف گوینده بستگی دارد. اکنون با وجود این همه مختصات از «یادبود»، آیا خود توانایی ارائه یادبودی در شأن مسعود دارم.

در آغاز، این سؤال را مطرح می‌کنم:

«اگر مسعود فرزانه با همان ویژگی‌هایش امروز زنده می‌بود، چقدر حیاتش بر محیط آموزشی تأثیر می‌گذاشت؟»

در این نوشته سعی می‌کنم به این سؤال پاسخ دهم. ابتدا به تاریخچه‌ای از آشنایی خود با ایشان اشاره می‌کنم و سپس بحث خود را ادامه می‌دهم.

شهریور ۱۳۵۸ از انگلستان (که برای تکمیل تحصیلات رفته بودم) بدون اخذ مدرک دکتری به ایران بازگشتم. در اولین جلسه گروه ریاضی ضمن تجدید دیدار با همکاران قدیم، برای اولین بار با مسعود آشنا شدم. پس از یک نیمسال تحصیلی تدریس، دانشگاه‌ها تعطیل شدند. اکثر اعضای هیأت علمی دانشگاه به ترجمه روی آوردند. اوقات بیکاری افراد غالباً به بحث و جدل در مورد شرایط ویژه اوضاع و احوال آن دوران می‌گذشت. در همین ایام بود که به طور اتفاقی چند صفحه از یکی از کتاب‌های ریاضی ابتدایی آن زمان را که در اختیار داشتم مطالعه می‌کردم و احساس کردم که بسیاری از روش‌های آموزش مطرح شده در آن قابل نقد است و من حرف‌هایی برای گفتن دارم. در پایان یکی از جلسات شورای گروه ریاضی، از فرزانه سؤال کردم که این روزهای بیکاری را چگونه می‌گذرانند. ایشان ضمن توضیح در مورد کارهای اجرایی به این مطلب اشاره کرد که هفته‌ای یک بار در شورایی مرکب از استادان دانشگاه‌ها، دبیران، آموزگاران و کارشناسان آموزش و پرورش شرکت می‌کند و هدف آن شورا تدوین یک بازنگری کلی در مورد کتاب‌های ریاضی آموزش و پرورش است. ایشان اضافه کرد که فعلاً ریزمواد دوره ابتدایی مورد بحث است و پس از آماده شدن برنامه هریک از پایه‌ها، تألیف آن زیر نظر شورا و توسط مؤلفین منتخب از سوی شورا انجام خواهد شد. ضمن ابراز ستایش از این حرکت فرهنگی، گفتم که صفحاتی از یک کتاب ریاضی دبستان را مطالعه کرده‌ام و نظراتی در مورد روش‌های آموزش مطالب آن دارم. او از من خواست تا نظراتم را بنویسم تا در شورا مطرح کنند تا

وی سلام فردی را به شایستگی پاسخ نداد. تکیه بر این گونه رفتارها توسط یک نویسنده، بدون ارزیابی شرایط پرتلاطم آن سالها، قبل از آن که در انتقال ارزش نقد خود به خوانندگان امروز توفیقی کسب کند، منطقی نویسنده را به چالش می کشد.

روزی که صحبت مرگ و زندگی به میان آمد با آرامش سیگارش را آتش زد و در حالی که به شعله کبریت فوت می کرد با تبسم گفت «یک روزی این طوری خاموش می شوم».

محمدتقی دیبائی

دانشگاه تربیت معلم تهران

پیشکشوتان

از پله که بالا می رفتی دست راست طبقه سوم یکی از دو درب به گروه ریاضی تعلق داشت. وارد که می شدی به سوی درب بازی می رفتی که روبرویت قرار داشت. سلام. و در پاسخ سه سلام با سه صدای متفاوت می شنیدی.

فرزندت که عرفان باشد و حالش را جویا شوند بی تردید بال در می آوری و عرفان فرزند کوچک دکتر علی عمیدی و شاگرد من در درس های آنالیز ۱ و ۲ بود. در دیدار اول که نام عرفان را بر دم با افتخار گفت پسر من است و این موجب آشنایی بیش از پیش من و او شد. چند سال بعد که به مناسبت روز آمار برای یک سخنرانی دعوتش کردم بدون هیچ عذر و بهانه ای پذیرفت. و چند ماه قبل همسرش به نیابت از وی مقدار معتناهی کتاب برای اهدا ارسال نمود.

گفت بفرمایید و صندلی کنار خود را نشان داد و نشستیم. جایی که آوردند دکتر وصال با قد بلندش از جایش بلند شد و با عذرخواهی و متانت رفت و با قندار پر برگشت. دیگر در اطاق سه نفره دیده نمی شد، جویای حالش که می شدم کفایت می کرد. زمستان ۸۴ که نیاز به ملاقات افتاد در منزلش دیداری یک ساعته داشتیم. و عید ۸۵ در بستر بود و اکنون از همایون معین می شنوم که بهتر است.

اسفند سال گذشته به علت اساس کشی به ساختمان جدید و آماده شدن برای مسافرت خارج از کشور سرش خیلی شلوغ بود. پس از بازگشت از مسافرت خرداد بود که لحظه ای دیدمش. بعد پیغام گذاشت که به دیدارش بروم و رفتم. دو نسخه از آخرین کتاب چاپ شده اش را هدیه کرد یک نسخه برای انجمن ریاضی و یک نسخه برای من. گفت به تمام دوستان کنفرانس (سی و هفتمین کنفرانس ریاضی) سلام برسان و از شرکت در کنفرانس عذرخواهی کرد. پیرمرد باید مواظب سلامتی خود باشد. دکتر شفیعپها را می گویم. برای هر سه آرزوی سلامتی داریم.

محمد جلوداری ممقانی

دانشگاه علامه طباطبائی

او خود را مقید به برنامه ای می کرد که تعهد انجام و اجرای آن را داده بود. گاهی این جنبه شخصیت وی خراشی بر روح طرف مقابلش می نشاند و آن هنگامی بود که مخاطب وی متوجه می شد او «کار» را به نحو احسن انجام داده است و کار زیادی برای وی باقی نگذاشته است. فرزنان استادی فرزانه بود که دانشجویان، کلاسش را بسیار دوست می داشتند. با توجه به این که اطاق کارمان مشترک بود از رفتار دانشجویان و مباحثاتی که آنان با استادشان داشتند دریافتم که کلاس وی بسیار مورد احترام دانشجویان است. به نظر می رسید که شخصیت، نحوه ارائه درس، بیان شیوا، و بالاخره کلام پخته استاد دانشجویان را مسحور می کند.

هنگام اجرای آزمایشی کتابهای درسی، حدود ۴۰ نفر از آموزگاران (از هر منطقه تهران ۲ نفر) برای فراگیری روش های آموزشی فراخوانده شده بودند. به پیشنهاد فرزنان دو ساعت قبل از شروع اولین جلسه درس دستمال های گردگیری را برداشتیم و تمام صندلی های کلاس درس را پاک و مرتب کردیم. می گفت اگر معلمین ببینند و با صندلی های کثیف مواجه شوند، اعتمادشان از کتاب های جدید سلب خواهد شد. در همین کلاس که به طور مشترک آن را اداره می کردیم، با هم قرار گذاشته بودیم که به تناوب یکی از ما دو نفر درس دهد و دیگری در ردیف معلمان نشسته و گوش کند. در نوبت تدریس ایشان، بین معلمان بحث هایی بر سر شیوه ارائه مطلبی بالا گرفت به طوری که سروصدای بیش از حدی در کلاس ایجاد شد. در همین اثنا یکی از معلمان به رسم معمول کلاس داری خودش به طور متناوب با مداد به میز کوبید. وقتی همه ساکت شدند استاد از آن معلم تشکر نکرد و گفت «معلمی که برای ساکت کردن افراد کلاس به میز بکوبد به آخر خط رسیده است».

او در آموزش کشور نقشی سازنده داشت. امروزه حتی صفحه آرایی کتاب های تاریخ و جغرافیا متأثر از کتاب های ریاضی است و کتاب های ریاضی دوره های دبستان و راهنمایی به طور قطع بدون حضور فرزنان جایگاه امروز را نداشت.

یکی دیگر از حرکت های ارزشمند آن سال ها همکاری شورای تألیف کتب ریاضی درسی با آموزش و پرورش برای آموزش مطالب کتاب های جدید به معلمان سراسر کشور بود، و فرزنان نقشی کاملاً چشمگیر در این پروژه عظیم داشت. عظمت این پروژه با بودجه اندک آن زمان به حدی بود که دستاورد حاصل از آن را معاونت برنامه ریزی و تألیف کتب درسی وقت (به نقل از فصل نامه تربیت) در سازمان یونسکو مطرح نمود.

اکنون امیدوارم به پاسخ سؤال خود رسیده باشم. هر جامعه ای برای رشد و شکوفایی به افراد مبتکر، خوش فکر و برنامه ریز نیازمند است. اگر او امروز زنده می بود می توانست چراغ هدایت بسیاری از دانش آموزان، دانشجویان و افراد جامعه باشد.

در این نوشته تلاش کردم قضاوت و بحث هایم بر شالوده اصلی رفتارها و نتایج آن باشد. چه در غیر این صورت بسیار زیاد لحظاتی وجود داشت که افرادی به وی احترام نگذاشتند. و یا، به عکس،

روز ریاضیات

زیر نظر مانی رضائی

کنفرانس سالانه ریاضی

رئیس محترم انجمن ریاضی ایران

مراسم روز ریاضیات

انجمن ریاضی ایران روز ۲۸ اردیبهشت را که مقارن با سالگرد تولد حکیم عمر خیام است روز ریاضیات اعلام کرده است و به همین مناسبت هر ساله در سراسر ایران مراسمی برگزار می‌شود. امسال در تهران این مراسم روز ۲۷/۲/۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا و با همکاری بی‌دریغ آقای دکتر کیهان محمدخانی رئیس این فرهنگسرا برگزار شد.



اکرم صادقی و محمد جلوداری ممقانی

روز ۱۰/۲/۸۵ فاکسی از دفتر انجمن ریاضی دریافت کردم حاکی از این که باید مراسم را در موعد مقرر برگزار نمایم. بلافاصله موضوع را با اعضای کمیته برگزاری سال قبل متشکل از آقایان دکتر: حمید پزشکی، علی ایرانمنش، محمدخانی و خانم نسترن اسدی در میان گذاشتم و آنان را برای شرکت در اولین جلسه کمیته برگزاری دعوت کردم. این جلسه روز ۱۳/۲/۸۵ با شرکت چهار نفر در دفتر آقای دکتر پزشکی رئیس پردیس علوم دانشگاه تهران برگزار شد و خط مشی اجرایی، اسامی سخنرانان احتمالی و برنامه تقریبی مراسم را تعیین نمود. بعداً نیز نظیر این جلسات برای تنظیم امور و شکل دادن هرچه بهتر به مراسم دوبار تشکیل شد. باید قبول می‌کردیم که در کمتر از دو هفته نمی‌توانستیم معجزه کنیم. بلافاصله سخنرانان احتمالی تعیین شده را طی تماس تلفنی دعوت کردم و به جز یک نفر، به دلایل موجه از همه جواب منفی شنیدم. دیگر پایه مراسم گذاشته شده بود. مشکل سخنرانان را با جایگزین نمودن

با عرض ادب و احترام، همان‌گونه که مستحضرید برگزاری کنفرانس‌های ریاضی ایران در هر سال پس از گذشت سی و هفت سال از تجربه اولین کنفرانس ریاضی کشور، کاری بسیار سنگین و هزینه‌بر شده است در حال حاضر که انجمن ریاضی ایران سمینارهای تخصصی متعددی برگزار می‌کند، کنفرانس‌های آموزش ریاضی و آمار ایران و ریاضیات فازی سابقه برگزاری چند ساله پیدا کرده‌اند دیگر رسالت کنفرانس‌های ریاضی با سال‌های نخستین برگزاری آن تفاوت پیدا کرده است. در شرایطی که کشورهای مختلف کنفرانس‌های ملی خود را تواتر ۲ سال و ۳ سال برگزار می‌کنند.

جا دارد انجمن ریاضی ایران نیز در این زمینه تجدیدنظر کرده و کنفرانس‌های ریاضی هر دو سال یک‌بار برگزار شوند. در این راستا با توجه به برنامه‌ریزی انجمن ریاضی و دانشگاه‌های کشور تا چهارمین کنفرانس ریاضی، پیشنهاد می‌شود این موضوع از کنفرانس چهارم به بعد بررسی و تصویب شود. در این راستا تقاضا دارم موضوع به نحو مقتضی در شورای اجرایی مطرح و در صورت صلاحدید در مجمع مطرح شود.

رحیم زارع‌نهدی
دبیر سابق انجمن



به اطلاع می‌رساند سی‌وهفتمین کنفرانس ریاضی کشور از ۸ تا ۱۱ شهریور ۸۵ در دانشگاه تربیت معلم آذربایجان برگزار شد. با توجه به این که تاکنون گزارشی از کنفرانس به خبرنامه ارسال نشده است، در شماره بعدی خبرنامه گزارش این کنفرانس به استحضار خواهد رسید.